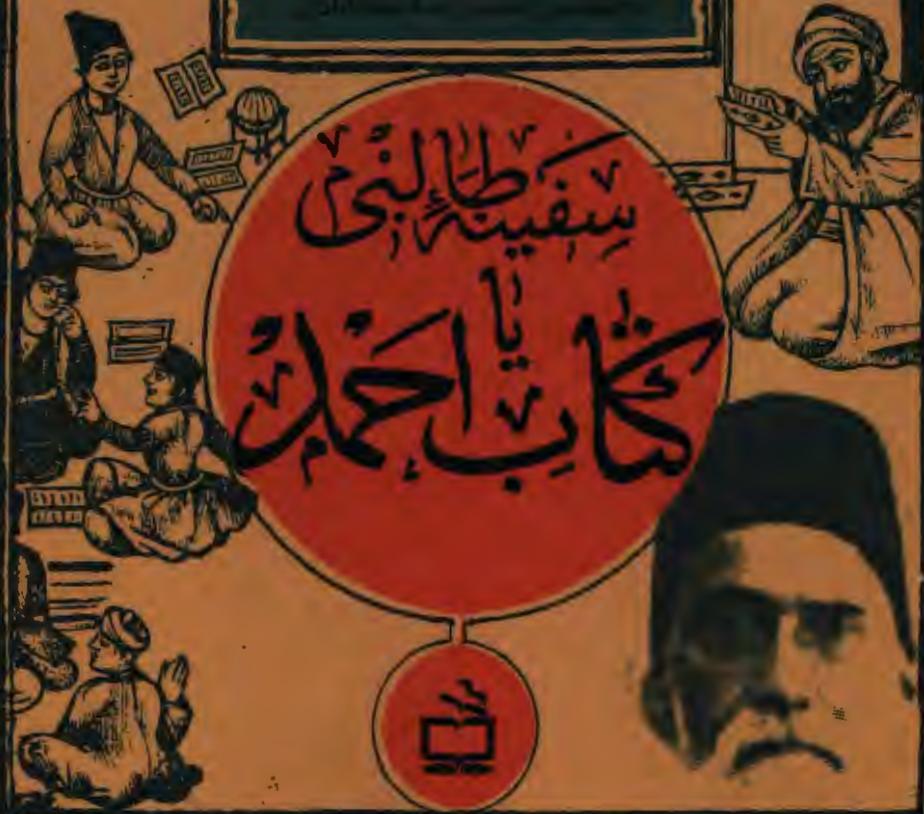


گنجینه تاریخ ادبیات  
کودک و نوجوان

عبدالرحمٰن بن ابوطالب تبریزی

سقیط طالبی  
خاندان احمد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحُكْمُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
إِنَّا نَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ

گنجینه نازنخ ادبیات کودک و نوجوان

لَكَ طَالِبُهُ  
سِفِينَهُ زَمِنَهُ  
كَلْبُ اَحْمَدٌ

عبدالرحيم بن أبوطالب تبريزى

به کوشش حمیدرضا شاه آبادی

سرشناس: طالبی فهی عبدالرحمن بن ابوطالبیه - ۱۳۲۹- ۱۳۲۰ق.  
 عنوان و نام پدیدآور: سفینه طالبی به کتاب احمد / عبدالرحمن بن ابوطالب تبریزی؛  
 به حمیدرضا شاه آبادی.

مشخصات نشر: تهران: مدرسه ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۵۱۸ ص، ۲۱/۱۴/۵-۲۱-۰.

فروش: گنجینه تاریخ ادبیات کودک و نوجوان، ۱۱ دبیر مجموعه سیدعلی کاشفی خوانساری.

شایعه: ۹۷۸-۹۶۴-۰۸-۱۸۸۰-۰

وضاحت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: کتاب احمد.

موضوع: کودکان -- ایران -- وضع اجتماعی -- قرن ۱۹-۱۳ ق.

Children -- Iran -- Social conditions -- 19th century

موضوع: ایران -- تاریخ -- قاجاریان ۱۱۹۳- ۱۳۴۴ق.

Iran -- History -- Qajars. ۱۷۷۹- ۱۹۲۵

شناخت افزوده: شاهزادی، حمیدرضا - ۱۳۴۶

شناخت افزوده: کاشفی خوانساری، سیدعلی ۱۳۵۰

Kashefi Khansari, Ali

شناخت افزوده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه HQ792

ردد بندی کنکره: ۱۳۹۷-۰۲ ط ۱۹/الف

ردد بندی دیوبی: ۳۰۵/۲۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۱۵۷۲۳

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی / وزارت آموزش و پرورش  
 مجموعه گنجینه تاریخ ادبیات کودک و نوجوان / ۱۲

## سفینه طالبی یا کتاب احمد

دبیر مجموعه: سیدعلی کاشفی خوانساری

نویسنده: عبدالرحمن بن ابوطالب تبریزی

پژوهشگر: حمیدرضا شاه آبادی

مدیر هنری: احمد قائمی مهدوی

طراحی یونیفرم جلد: کوروش پارسانزاد

صفحه آرا: سعید بهرامی دارستانی

چاپ اول: ۱۳۹۷ / شمارگان چاپ اول: ۵۰۰ نسخه / لیتوگرافی: لوح

چاپ و صحافی از: چاپ لوح / حق چاپ محفوظ است / ۰-۱۸۸۰-۰۸-۹۶۴-۹۷۸

نشانی: تهران، خیابان سپهبد قربنی، پل کریمخان زند

کوچه شهید محمود حقیقت طبله شماره ۸

تلفن: ۰۲۱-۳۳۴۶-۸۸۸-۰۹۸۹



با تشکر از انتخاب شما، خواهشمندیه نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را در مورد این کتاب یا دیگر آثار انتشارات مدرسه از طریق پیام‌کوتاه به شماره ۰۹۰۰۶۶۰۰۶۴۰۰ یا مام در میان بگذارید.  
[www.madresehpub.ir](http://www.madresehpub.ir)  
 جهت ارتباط با شبکه‌های اجتماعی مارمیته روبرو را اسکن تعیین

## فهرست

مقدمه ناشر / ۷

پیشگفتار دبیر مجموعه / ۹

مقدمه / ۱۳

آشنایی با طالبوف / ۱۶

مروری بر وضعیت کودکان ایرانی در دوره قاجار / ۲۳

مروری بر کتاب احمد / ۴۸

نسخه کامل سفینه طالبی یا کتاب احمد (جلد اول) / ۶۳

نسخه کامل سفینه طالبی یا کتاب احمد (جلد دوم) / ۳۷۳

## \* مقدمهٔ فاشر \*

انتشار نخستین کتاب‌ها برای کودکان و نوجوانان در ایران به دورهٔ قاجار بازمی‌گردد و به همین دلیل شناخت و بررسی این آثار از جهات مختلف ادبی، تاریخی و اجتماعی ضروری است؛ از این رو با توجه به رسالت سازمانی انتشارات «مدرسه» در تأمین نیازهای پژوهشی در زمینهٔ تعلیم و تربیت، انتشار مجموعهٔ «گنجینهٔ تاریخ ادبیات کودک و نوجوان» در دستور کار این مؤسسه قرار گرفت.

در این طرح همچنین در کنار کتاب‌هایی که کودکان و نوجوانان را مخاطب خود قرار داده‌اند، کتاب‌ها و رساله‌هایی که در آن دوره دربارهٔ کودکان و مسائل آن‌ها (آموزش، ادبیات و...) برای بزرگسالان منتشر شده است معرفی و بازنثر خواهد شد.

امید است که این مجموعه برای پژوهشگران، مدرسان و مؤلفان این حوزه کاربردی و مفید واقع شود و راه را برای پژوهش‌های پردازنه‌تر هموار سازد.

## \* پیشگفتار دبیر مجموعه \*

اهمیت جستجوهای تاریخی و تحلیل یافته‌های آن در تمام زمینه‌های پژوهشی امری بدیهی است. برخلاف باور جاری، ادبیات کودک و نوجوان نوین ایران (به معنای عام آن)، نه از دورهٔ پهلوی بلکه از دورهٔ قاجار و عصر ناصری آغاز شده است و با وجود اینکه نزدیک به ۲۵۰ سال از انتشار نخستین کتاب‌های کودک و نوجوان به زبان فارسی می‌گذرد، تاکنون برای بازنثر و تحلیل نخستین آثار این حوزهٔ اقدام روشنمندی صورت نگرفته است. گفتنی است اهمیت بررسی و بازنشر چنین آثاری نیز در این است که هر یک از این آثار به سهم خود آغازگر انتشار گونه‌ای از کتاب‌های کودکان و نقطهٔ عطفی در نشر کتاب‌های فارسی بوده‌اند.

این خلاً چنان پررنگ بوده که بسیاری از مورخان ادبی دورهٔ پهلوی و پس از آن، آغاز انتشار کتاب‌های کودک و نوجوان را در ایران دهه‌های ۲۰ یا ۳۰ دانسته‌اند. در این میان شاید مرتبط‌ترین و متناسب‌ترین نهادی که همواره به این حوزهٔ توجه و اهتمام داشته وزارت آموزش و پرورش و زیرمجموعه‌های آن باشد؛ چراکه:

- بیشتر کتاب‌های کودک و نوجوان دورهٔ قاجار ماهیت آموزشی داشته‌اند و در تاریخ و سیر تحولات آموزش و پرورش نقشی اساسی ایفا کرده‌اند.
- متولیِ مجوز انتشار، ثبت و آرشیو کتاب در

بیشتر سال‌های بازه زمانی مورد بررسی وزارت معارف (آموزش و پرورش) بوده است و قاعده‌تاً باید کامل‌ترین اطلاعات و اسناد را در این سازمان جست‌وجو کرد.

- مهم‌ترین نهاد متولی کودکان و نوجوانان و خواندنی‌های آن‌ها هنوز هم وزارت آموزش و پرورش است.

با توجه به توضیحات مزبور، پیشنهاد چاپ و بازنشر چنین آثاری با انتشارات «مدرسه» در میان گذاشته شد. گفتنی است «مدرسه برهان»، ناشر تخصصی وزارت آموزش و پرورش در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و متولی تأمین منابع مطالعاتی و آموزشی آموزگاران و پژوهشگران عرصه تعلیم و تربیت است که خوشبختانه با استقبال آن از پیشنهاد یادشده، مقرر شد کتاب‌های برگزیده کودک و نوجوان ایرانی که تا پایان دوره قاجار (۱۳۴۴ق. - ۱۳۰۴ه.ش - ۱۹۲۵م) در ایران یا خارج از ایران منتشر شده‌اند، ضمن بررسی و تحلیل، از نو تجدید چاپ شوند.

گفتنی است در گزینش کتاب‌ها برای بازنشر به ملاک‌هایی چون تقدم تاریخی، پیشو و ابداعی بودن، ارزش‌های ادبی، تأثیرگذاری اجتماعی، فرهنگی و... توجه شده است.

بدیهی است از آنجا که هدف این مجموعه، بررسی تاریخ نشر کتاب‌های تأثیرگذار اجتماعی است، طرح دربرگیرنده رساله‌ها، اشعار و آثاری نخواهد بود که به صورت دست‌نویس از آن دوران باقی مانده‌اند و در محدوده تاریخی مورد نظر در قالب کتاب و نشریه منتشر نشده‌اند.

افزون بر موارد پیش گفته، درباره کمیت و گستردگی کتاب‌های کودک قاجاری منتشر شده در ایران نیز متأسفانه اطلاعات کامل و جامعی در دست نیست.

با این حال مجموع کتاب‌های چاپ سربی دوره اول و دوم و همچنین کتاب‌های سنگی این دوره، حدود ۳۵۰۰ عنوان تخمین زده می‌شود که براساس اطلاعات موجود حدود ۱۵ درصد از این تعداد یعنی حدود ۳۵۰ عنوان کتاب کودک و نوجوان (کتاب‌های بچه‌خوانی، یعنی نشر کتاب‌ها و متنون قدیمی، به علاوه کتاب‌های تألیفی و ترجمه معاصر) بوده است. همچنین به این تعداد باید کتاب‌های کودک و نوجوان فارسی رانیز که در آن دوران خارج از مرزهای ایران در هندوستان، افغانستان، ترکیه، آذربایجان، گرجستان و... فعلی چاپ شده، افزود که تعداد تقریبی این کتاب‌ها نیز ۵۰ عنوان است.

افزون بر این، تعداد کتاب‌های کودک و نوجوان غیرفارسی را که از دوره محمدشاه قاجار تا پایان سلطنت قاجار به خط یا زبان‌های عبری، راشی، ارمنی، آشوری، ترکی یا خطوط ابداعی، کردی، گیلکی و... در ایران منتشر شده‌اند، می‌توان ۵۰ عنوان تخمین زد. مجموع کتاب‌های کودک و نوجوان این دوره را نیز می‌توان ۴۰۰ عنوان تلقی کرد که در این طرح به تدریج کتاب‌های تأثیرگذار و برجسته آن شناسایی و معرفی خواهد شد.

درباره پیشینه طرح نیز باید افزود که تاکنون هیچ گونه تلاش منسجم و تعریف شده‌ای برای بازنشر چنین آثاری صورت نگرفته است و ناشرانی که به بازنشر کتاب‌ها

رساله‌های قدیمی توجه دارند، هیچ‌یک تاکنون طرح و برنامه‌ای در این زمینه نداشته‌اند.

گفتنی است مجموع کتاب‌های کودک و نوجوان بازنشرشده از دوره قاجار از ده عنوان فراتر نمی‌رود که برخی از این آثار برگرفته از مطبوعات‌اند مانند حکایت «پیر و جوان و درک بهار»؛ برخی برگرفته از نسخه‌های خطی و منتشرشده‌اند مانند «قصه‌های استاد» و مابقی نیز اغلب بدون مقدمه‌های جامع و تحلیلی هستند. با توجه به توضیحات پیش برای بازنشر آثار در مجموعه حاضر تلاش شده که تا حد امکان از همکاری و همراهی پژوهندگان فعال در این عرصه استقبال شود.

همچنین تلاش شده تا مقدمه‌ای جامع و تحلیلی، در برگیرنده اطلاعات کتاب‌شناختی و نشر، معرفی نویسنده و سایر پدیدآورندگان، تحلیل محتوای متن و بررسی تصاویر کتاب، اشاره به جایگاه تاریخی و اجتماعی اثر و تأثیر آن بر مخاطب و... برای هر کتاب نگاشته شود.

در پایان لازم می‌دانم که از مدیر ارجمند و محقق انتشارات «مدرسه»، جناب آقای حمیدرضا شاه‌آبادی، اعضای شورا، مدیر هنری، ویراستاران و مؤلفان مجموعه صمیمانه سپاسگزاری نمایم. امید که بازنشر این کتاب‌ها برای مورخان، دانشگاهیان، آموزگاران، نویسنده‌گان، منتقدان، کتاب‌داران، روزنامه‌نگاران و... مفید واقع شود.

سید علی کافی خوانساری  
زمستان ۱۳۹۶

## \* مقدمه \*

این کتاب شامل چند متن است که در کنار هم نهاده شده‌اند. اصلی ترینشان کتاب احمد است؛ همان که میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی در سال ۱۳۰۷ق نگاشته است. این متن، علاوه بر چاپ‌های زمانه خودش، یک بار نیز در سال ۱۳۵۶ش به چاپ رسیده است؛<sup>۱</sup> البته ناقص و با مقدمه‌ای کوتاه. یک بار هم تکمله این کتاب، که حدود سیزده سال بعد از احمد چاپ شده، در سال ۱۳۹۲ش منتشر شده است؛<sup>۲</sup> باز هم ناقص و بدون شرح و پیوست. در کتاب حاضر کوشیده‌ام متن را کامل ارائه کنم. و تقریباً کامل ترین گزارش را از کتاب احمد به دست دهم. برای استنساخ جلد اول و دوم این اثر از چند نسخه بهره جسته‌ام:

- سفینه طالبی یا کتاب احمد، اثر عبدالرحیم بن ابوطالب تبریزی، اسلامبول، مطبوعه خورشید، ۱۳۱۹ق، چاپ سربی، مصور.

- سفینه طالبی یا کتاب احمد، اثر عبدالرحیم بن ابوطالب نجار تبریزی، اسلامبول، مطبوعه خورشید، ۱۳۱۲ق، چاپ سربی، مصور.
- سفینه طالبی یا کتاب احمد، اثر عبدالرحیم بن ابوطالب نجار تبریزی، اسلامبول، مطبوعه خورشید، ۱۳۱۹ق، چاپ سربی، مصور.

متن‌های افزوده این کتاب مقالاتی است در تشریح بیشتر اثر طالبوف با هدف فهم بهتر آن. نخستین آن‌ها

۱. به کوشش باقر مؤمنی، تهران: شبگیر، ۱۳۵۶.

۲. به کوشش محمد رضا معتمدی، تهران: شیرازه، ۱۳۹۲.

شرح مختصری از زندگی طالبوف است؛ دوم مقاله‌ای در توصیف شرایط کودکان در دوران قاجار؛ و سوم مقاله‌ای در شرح کتاب احمد و مقایسه بخش‌هایی از آن با کتاب امیل، اثر ژان ژاک روسو. اولی را از آن رو نوشتہام که نویسنده کتاب و اندیشه و اهداف او را بهتر بشناسیم. دومی را از آن جهت گرد آوردهام که در کتاب احمد از جهات متعدد به کودکان و تربیت ایشان پرداخته شده است و خواننده برای فهم اندیشه‌های تربیتی نهفته در آن نیازمند شناخت وضعیت کودکان ایرانی در دوره قاجار است تا دریابد طالبوف در زمانه خود چه کودکانی را در نظر داشته و در چه شرایطی به ارائه اندیشه‌هایش پرداخته است. و بالاخره سومین مقاله از آن جهت فراهم شده که طالبوف، بنا به اعتراف خود، رساله‌اش را تحت تأثیر اندیشه‌های ژان ژاک روسو، فیلسوف عصر روشنگری فرانسه، نوشته و برای فهم اثر او بررسی کتاب امیل ضرورت دارد. البته، محتوای آن مقاله صرفاً مقایسه کتاب احمد و امیل نیست، که در موارد متعدد کتاب احمد و ویژگی‌های آن را نقد و بررسی کرده‌ام.

بررسی کتاب احمد و همچنین وضعیت کودکان ایرانی در دوران قاجار در بسیاری موارد برای من یادآور مفاهیمی بود که در شرح «تحول تاریخی مفهوم کودکی» در کتاب مقدمه پر ادبیات کودک<sup>۱</sup> ذکر کرده‌ام. از این

۱. حمیدرضا شاه‌آبادی، مقدمه پر ادبیات کودک، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۲.

رو، خوانندۀ محترم را به مطالعه آن کتاب نیز توصیه می‌کنم. خواندن آن کتاب تحلیل مطالب این کتاب را بسیار راحت‌تر می‌کند و خواندن این کتاب اثباتی است بر مدعای طرح شده در آن کتاب که به شکل‌گیری تدریجی مفهوم ذهنی کودکی در ایران و دیگر نقاط جهان اشاره دارد.

فراهم آوردن این مجموعه به تنها بی کاری بسیار مشکل بود و اگر همکار خوبم، خانم محبوبه قاسمی ایمچه، به یاری ام نمی‌شتافت، قطعاً این مجموعه فراهم نمی‌شد. گردد آوردن نسخه‌ها و تطبیق آن‌ها، نظارت بر حروف‌چینی و غلط‌گیری متن، و بالاخره ویرایش کل اثر حاصل زحمت ایشان است که بابت آن بسیار قدردان و سپاسگزارم. همچنین، از دیبر محترم مجموعه «گنجینه تاریخ ادبیات کودک و نوجوان» در انتشارات مدرسه، جناب آقای علی کاشفی خوانساری، بسیار سپاسگزارم. ایشان با پی‌گیری و یادآوری منظم خود موجب شدند، برغم همه مشغله‌ای که داشتم، این مجموعه را، که چند سالی نیمه‌کاره مانده بود، سرانجام تمام کنم و پیش‌کش دوستداران تاریخ تعلیم و تربیت، و ادبیات کودک و نوجوان ایران سازم. و البته سپاس از آن خدادست.

زمستان ۱۳۹۶

## \* آشنايی با طالبوف \*

میرزا عبدالرحيم تبريزى در سال ۱۲۵۵ق در محله سرخاب تبريز به دنيا آمد. او را بعدها «طالبوف» نامیدند؛ لقبی که بعد از مهاجرتش به قفقاز نصیب او شد و نیز اشاره‌ای است به نام پدرش. طالبوف به زبان روسی یعنی «طالبزاده». پدرش، استاد ابوطالب، نجار بود. پدر بزرگش هم نجاری می‌کرد. به همین جهت، او خود را «نجارزاده» هم نامیده است. (آدمیت: ۱)

شانزده یا هفده ساله بود که راهی قفقاز شد؛ شاید در پی کسب و کار و به دست آوردن پول؛ چون خانواده‌ای قریب داشت و ادامه حرفه پدری را خواشید نمی‌دانست. قفقاز آن روزگار— که تقریباً به تازگی از ایران جدا شده و به خاک روسیه پیوسته بود— محل اجتماع کارگران ایرانی بود؛ کارگرانی که با انگلستانیان روس، که روز به روز گسترش می‌یافت، آشنا می‌شدند. به این دلیل حوزه قفقاز یکی از مراکز رواج اندیشه تحول‌خواهی بود. در قفقاز، طالبوف در دستگاه تاجری ایرانی الاصل، به نام محمدعلی‌خان کاشی، مشغول به کار شد. محمدعلی‌خان پسری داشت به نام اسد و دختری به نام ماهرخ. این دو نام بعدها در آثار طالبوف بارها تکرار شد (آرین‌پور، ۱، ۲۸۸). طالبوف زیر نظر محمدعلی‌خان به تجارت و مقاطعه کاری پرداخت. کارش گرفت. ثروتی به هم زد و

خود تاجر مستقلی شد.

در کنار ثروتمندی، عبدالرحیم متدين و درستکار هم بود؛ و این برایش آبرو و احترام بسیاری به ارمنان آورد. به سفر حج رفت. در کسب علوم دینی تلاش کرد و « حاج ملا عبدالرحیم طالبوف » نامیده شد. (همان) پنجاه و پنج ساله بود که کار تألیف و ترجمه را شروع کرد؛ یعنی در سال ۱۳۰۵ق، دوران ناصرالدین شاه، و هشت سال پیش از ترور او. موضوع بیشتر نوشته‌های طالبوف نقد اوضاع آن زمان ایران و مطالبه ترقی و تحول است. او کتاب احمد را به سال ۱۳۰۷ق منتشر کرد. این کتاب هم مجموعه‌ای است از اطلاعات عمومی، هم شرحی است در مباحث تربیتی، و هم نقدی است بر اوضاع ایران آن روزگار. گفته‌اند ناصرالدین شاه از انتشار این کتاب ناخشنود بود و بعد از خواندن کتاب احمد گفته بود: «بین این کافر بی‌دین همه ایران را تمسخر کرده است.» اما و لیعهد او، مظفرالدین شاه، چنین نظری نداشت. طالبوف را تحسین می‌کرد و او را وطن‌پرست می‌دانست (آدمیت، ۹-۸). البته، در بیشتر منابع به روابط خوب او با مظفرالدین شاه و صدراعظم او، امین‌السلطان، اشاره شده است (آرین پور، ج ۱، ۲۸۸) و در عین حال اشاره کرده‌اند که در برخی آثار او «جملاتی دیده می‌شود که، به حسب ظاهر، مخالف مقررات مطاعة اسلامیه می‌باشند.» (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ج ۴، ۱۷)

آثار و اندیشه طالبوف در ایران طرفداران زیادی پیدا کرد و از او چهره شناخته شده‌ای ساخت؛ تا آنجا که در دوره اول مجلس شورای ملی به عنوان نماینده تبریز برگزیده شد؛ اما گرفتاری هایش را بهانه کرد و از ورود به مجلس سر باز زد (بامداد، ۱۳۷۱: ج ۲، ۲۶۳). دلیل این کار او چندان روشن نیست. گروهی آن را به روابط خوب او با امین‌السلطان (که مشروطه‌خواهان با او میانه‌ای نداشتند) ربط می‌دهند و گروهی به مسائل دیگر (آرین‌پور، ج ۱، ۲۸۸). البته انکار کردنی نیست که او با روال مشروطه و مشروطه‌خواهی، آنچنان که در ایران رواج یافته بود، کاملاً موافق نبود. این موضوع از اثر آینده او، ایضاحات در خصوص آزادی، به روشنی پیداست. با این همه، مشروطه‌خواهان همواره او را گرامی می‌داشتند و آثارش را می‌ستودند. مقاله‌ای که احتمالاً به قلم مؤید‌الاسلام کرمانی در روزنامه حجل‌المتین در معرفی او و آثارش نوشته شده گویای این مدعاست:

آقا میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی مصنف دو جلد کتاب احمد و نخبه سپهی و مترجم پنداشمه مادکوم د هیئت فلاماریون که از غایت اشتها ر مستغنى از همه گونه توصیف است. این ادیب دانشمند ... در مصنفات خود سبک و سیاقی مخصوص دارد که به هیچ یک از مصنفات ادبی سلف مشابهت و مماثلت

نتوان داد. در زمانی که استبداد زبان‌ها را  
لال و قلم‌ها را خشک نموده بود، نوشه‌جات  
این فاضل غیور مسئولیت و مشروطیت را  
برای ایران دعوت می‌نمود. **مسالک‌المحسینین**  
و **مسائل‌الحیات** قریب به سبک و سیاق احمد  
نوشته شده، ولی پُرمغزتر و منافعش بیشتر  
و **مسائل سیاسی** را بی‌پرده‌تر بیان می‌کند.  
(**حبل‌المتین**: ش ۳۵، ص ۶)

طالبوف در زمرة نویسنده‌گانی است که در دوران منتھی  
به مشروطیت و پس از آن ساده‌نویسی و زدودن تصنیع  
و تکلف در نشر را پیش گرفتند (رشید یاسمی، ۱۵۷-  
۱۵۸). کتاب **مسالک‌المحسینین**، که در سال ۱۳۲۳ق به  
رشته تحریر درآمده، پس از سیاحت‌نامه ابراهیم‌ییگ،  
اثر زین‌العابدین مراغه‌ای، نمونه‌ای از نخستین رمان‌های  
فارسی به شمار می‌آید؛ از این رو می‌توان طالبوف را از  
پیشوایان رمان‌نویسی در ایران دانست. (عبدایان، ۱۳۷۱:  
۸۷-۸۸)

آثار به جامانده از طالبوف عبارت‌اند از:

۱. احمد یا سفینه طالبی در دو جلد که نخستین بخش  
آن در سال ۱۳۵۷ منتشر شد و سیزده سال بعد طالبوف  
تکمله‌ای بر آن نوشت به نام **مسائل‌الحیات**؛ به دلیل وجود  
شخصیت احمد و بهره‌گیری از همان شیوه جلد اول و دوم،  
جلد سوم نیز کتاب احمد نامیده می‌شود.

کتاب احمد با بهره‌گیری از قالب «صحبت» یا گفت و گو بین پدر و فرزند نوشته شده است. پرسش و پاسخ‌های کتاب عمدتاً درباره مسائل علمی است و این از اهمیت انواع علوم در ذهن نویسنده حکایت می‌کند. لکن، لا بلای گفت و گوهای علمی، نویسنده اعتقادات سیاسی و اجتماعی خود را نیز بیان می‌کند و به تقد او ضع و احوال اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی کشور می‌پردازد. نویسنده ایده‌های خود را درباره نحوه اصلاح امور و پیشرفت ایران بیان می‌کند و گاه در عالم تخیل بسیاری از ایده‌های خود را اجراشده جلوه می‌دهد. مثلاً، ایران را دارای ترامواهی بر قی معرفی می‌کند یا مدارس ایده‌آل خود برای تربیت کودکان را شکل گرفته تلقی می‌کند.

اصل «سؤال» در کتاب احمد نقش مهمی دارد. نویسنده به صراحة می‌گوید: «نخستین سبب ترقی معارف و حکمیات، آزادی افکار و افتتاح باب سؤالات است». به همین دلیل، مبنای کتاب بر سوال و جواب قرار گرفته است.

۲. **مسالک المحسنين**: این اثر در قالب داستانی به نگارش درآمده و به همین دلیل از نخستین نمونه‌های رمان فارسی به شمار می‌رود. **مسالک المحسنين** در سال ۱۳۲۳ق و در آستانه صدور فرمان مشروطیت منتشر شد. در این داستان به صعود چند تن به قله دماوند با هدف اندازه‌گیری آن و اجرای برخی فعالیت‌های علمی دیگر پرداخته شده است. پیش از شروع این سفر و حین آن حوادث متعددی رخ

می دهد و گفت و گوهای متعددی درمی گیرد که طی آنها اوضاع و احوال آن روز ایران نقد می شود.

۳. نخبة سپهی: این اثر در اصل خلاصه‌ای است از کتاب ناسخ التوادیخ با مطالبی که نویسنده بر آن افزوده است. طالبوف در این اثر به شرح زندگی و احوال پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌پردازد. این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۱۵ق در استانبول منتشر شده است.

۴. پندنامه مارکوم: این اثر ترجمه‌ای است از زبان روسی؛ متن روسی نیز از زبان یونانی برگردان شده است. عنوان درست اثر در زبان اصلی «تفکرات» است و اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی مارکوم اورلیوس، قیصر روم، را ارائه می‌کند. ظاهراً طالبوف با هدف تکیه بر سنت پندنامه‌نویسی در ادبیات فارسی عنوان «پندنامه» را برای آن برگزیده است. این اثر در سال ۱۳۱۵ق منتشر شده است؛ البته، عده‌ای انتشار آن را به قبل از نشر کتاب احمد نسبت می‌دهند.

۵. دو رساله علمی به نام‌های رساله فیزیک و رساله هیئت جدیده یا هیئت فلاماریون در موضوع علم فیزیک و علم نجوم به ترتیب در سال‌های ۱۳۱۱ق و ۱۳۱۲ق منتشر شده‌اند.

۶. رساله ایضاحات در خصوص آزادی اثرباری سیاسی است که در سال ۱۳۲۴ق نگاشته شده. در این اثر مباحث انتقادی در خصوص مفهوم آزادی و قانون اساسی و همچنین تشکیل مجلس شورای ملی و ... ارائه شده است.

۷. سیاست طالبی، آخرین اثر طالبوف، حاوی دو مقاله سیاسی است و به سال ۱۳۲۹ق منتشر شده است. عبدالرحیم طالبوف تبریزی در سال‌های پایانی عمر مجدداً به قفقاز بازگشت و در تمرخان شوره (یا تمارخان شورا) در داغستان اقامت گزید. او در این دوران دچار ضعف مفرط چشم شده بود و به سختی می‌خواند و می‌نوشت. با این همه، با رجال ایرانی ارتباط فراوانی داشت و بسیاری از ایشان به منزل او رفت و آمد می‌کردند. طالبوف در سال ۱۳۲۹ق درگذشت.

#### کتابنامه

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۶). اندیشه‌های طالبوف تبریزی، تهران: انتشارات دماوند
- آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۵). از حبا تا نیما، تهران: امیرکبیر.
- مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۹). دیحات‌الادب، تهران: کتاب فروشی خیام.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۱). شرح حال رجایل ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴ هجری، تهران: زوار.
- رشید یاسمی، غلامرضا (۱۳۵۲). ادبیات معاصر، تهران: ابن سينا.
- عبدالیان، محمود (۱۳۷۱). درآمدی بر ادبیات معاصر ایران، تهران: گهرنشر.
- دوزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۵ق)، ش ۳۵

## \* مروری بر وضعیت \* کودکان ایرانی در دوره قاجار

تا آنجا که نگارنده این سطور مطلع است، تا کنون تحقیق جامع و مستقلی درباره وضعیت کودکان در دوره قاجار انجام نشده است. به همین دلیل، برای دست یافتن به اطلاعاتی درباره این گروه از جمیعت ایرانی، رجوع به منابعی که در آنها به موضوعات اجتماعی و گاه اقتصادی پرداخته شده است راهگشا خواهد بود. این منابع به ما می‌گویند که کودکان ایرانی در دوره قاجار چه سطحی از جامعه را و با چه اندازه وسعت به خود اختصاص داده‌اند، چگونه زیسته‌اند، و چه وظایفی بر دوش آنها نهاده شده است. کسب این شناخت را از بررسی شمار کودکان شروع می‌کنیم.

شمار کودکان ایرانی، حیات،  
و مرگ و میر ایشان در دوره قاجار

آمارهای جمعیتی در دوران قاجار آمارهای دقیق و قابل اعتمادی نیست. در این دوره مسئولیت سرشماری‌ها بر عهده حکام ولایات بود و از آنجا که ایشان باید بر اساس این آمارها به دولت مالیات می‌دادند، معمولاً آمار دقیقی از جمیعت تحت پوشش خود ارائه نمی‌کردند. از سوی

دیگر، بروز قحطی‌ها و بیماری‌های واگیر گاه در مدت کوتاهی موجب از بین رفتن شمار بسیار زیادی می‌شد و بدین ترتیب ترکیب‌های جمعیتی دیگرگون می‌گردید. به همین دلیل، مراجعه به آمارهای جمعیتی این دوره گاهی موجب سردرگمی می‌شود. از باب نمونه، در سرشماری سال ۱۲۸۶ق، «عدد کل نفوس، که در دارالخلافه مقیم و متوقف می‌باشند، صد و پنجاه هزار و هفتصد و شصت نفر» برآورده شده است (سعدوندیان، ۱۳۸۵: ۱۰۷). «از این جمله هشت هزار و چهارصد و هشتاد نفر سپاهاند و صد و چهل و هفت هزار و دویست و پنجاه و شش نفر رعیت... از جمله همان عدد کل نفوس رعیت پنجاه و سه هزار و نهصد و هفتاد و دو نفر مرد [و زن] بزرگ است و پنجاه و دوهزار و سیصد و پنج نفر طفل، نوزده هزار و دویست و شصت و نه نفر جوان.» (همان: ۱۰۹)

مطابق این سرشماری، جمعیت کودکان حدود پنجاه درصد از جمعیت طبقه «رعیت» را تشکیل می‌دهد. اما در سرشماری‌ای که پانزده سال بعد، یعنی در سال ۱۳۵۱ق انجام شده، این نسبت بهشت پایین آمده و به حدود دوازده درصد از کل جمعیت رسیده است: «مرد: ۱۶۴۲۱۸ نفر؛ زن: ۱۵۸۹۷۷ نفر؛ بچه: ۳۷۹۳۶ نفر.» (همان: ۱۲۲) واقعیت این است که شیوع قحطی و بیماری‌های واگیر در دوران قاجار بیش از همه به کودکان آسیب می‌زد— در جای خود به این موضوع اشاره خواهد شد. اما بدون قحطی

و بیماری واگیر نیز مرگ و میر در بین کودکان ایرانی بسیار زیاد بود. برخی گزارش‌های به جامانده در این زمینه از میزان مرگ و میر تکان‌دهنده کودکان حکایت می‌کند. دکتر یاکوب ادوارد پولاک، پژوهش اتریشی مقیم ایران در عهد ناصرالدین‌شاه، که در دهه ۱۲۷۰ میلادی مشاهدات خود را از وضعیت بهداشتی مردم ایران نوشته است، در باب مرگ و میر کودکان می‌گوید:

[کودکان ایرانی] مقارن پایان دو سالگی، به خصوص موقعی که آن‌ها را از شیر می‌گیرند، بسیاری به مرض و بای پاییزی دچار می‌شوند و پس از مدتی - چه به صورت حاد و چه به صورت متناوب - که بر کودکان گذشت، از پای درمی‌آیند. اقلّاً ثلث بچه‌های شهری به خصوص در ماه‌های پاییز به این مرض درمی‌گذرند. (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۳۹)

و در جای دیگری می‌نویسد:

در شهرها از شش بچه به زحمت دو نفر در قید حیات می‌مانند و گاهی همه آن‌ها تلف می‌شوند. هر روز زن‌ها به خانه من می‌آمدند و داروی آبستنی از من می‌خواستند و در جواب سؤال من که از آن‌ها می‌پرسیدم: «آیا تا به حال بچه آورده‌اند یا نه؟» عموماً به صورتی یکسان می‌گفتند: «پنج شش شکم

زاییده‌ام، ولی همه آن‌ها مرده‌اند.» اکثر بچه‌ها در سال دوم می‌میرند. در اغلب شهرها، در آمار تولد و مرگ، میزان تولد کمتر از مرگ دیده می‌شود... کمتر خواهر و برادری دیده می‌شود که از یک مادر باشند. به طور متوسط کمتر زنی دیده می‌شود که بیش از یک بچه زنده داشته باشد. (همان: ۱۵۲)

میرزا مهدی خان ممتحن‌الدوله، از رجال وزارت خارجه دوران قاجار، نیز در شرح تولد خود ذکر می‌کند که پس از مرگ سیزده فرزند خانواده او به دنیا آمده و زنده مانده است. (ممتحن‌الدوله، ۱۳۶۲: ۳۵)

میزان بسیار زیاد مرگ و میر کودکان در سال‌های آغازین زندگی، خواهناخواه، از اهمیت ایشان در میان خانواده می‌کاست. عدم اطمینان به پایدار بودن عمر کودکان موجب می‌شد والدین از دلبتگی و توجه زیاد به ایشان اجتناب کنند و همیشه برای از دست دادن ایشان آمادگی داشته باشند. شاید یکی از دلایل رواج فروش کودکان – که به آن اشاره خواهد شد – همین آمادگی روحی والدین برای دل بریدن از فرزندانشان باشد. به معنی دیگر، والدین قتدان فرزندان خود را با زاد و ولد بیشتر جبران می‌کردند.

رفتار خونسردانه در برابر مرگ کودکان ویژگی همه جوامع ما قبل مدرن بوده است. شاید دلیل این خونسردی

آن باشد که کودکان در این گونه جوامع بدليل این که هنوز وارد چرخه زندگی نشده بودند، جدی گرفته نمی شدند.

بی اعتمایی به کودکان مرگ و میر ایشان در اثر حوادث را هم افزایش می داد. از باب نمونه، راپورت های روزانه نظمه تهران در دوران ناصری آ Kundه از اخبار مربوط به کودکان بر اثر خفگی ناشی از افتادن اطفال در حوض خانه هاست:

پسر نه ساله میرزا شفیع نام لب حوض بازی می کرده، یک مرتبه به حوض افتاده، کسی در خانه نبوده، مگر یک زن؛ آن هم خواب بوده، طفل خفه می شود. (شیخ رضایی و آذری، ۱۳۷۷: ۷)

و در گزارشی دیگر:

دیروز طفل پنج ساله مشهدی حیدر بزار و قتی کسی در خانه نبوده به حوض افتاده، نزدیک به هلاکت بوده، بر حسب اتفاق، یکی از همسایه ها رسیده، طفل را بدون صدمه بیرون می آورد. (همان: ۴۶)

ادوارد پولاک در بررسی وضعیت اجتماعی ایرانیان عهد قاجار تصویری سرشار از کنایه ارائه می دهد که به خوبی حاکی از بی اعتمایی مفرط به کودکان است:

تا هفت سالگی را بچه در معیت مادر، زنان خدمتکار، و کنیزان حرمرا و آن هم بیشتر به